

ناکارآمدی سیاست بحران سازی / گفتگو با ابوالحسن بنی صدر



آقای ابوالحسن بنی صدر بر این باور است که انجام مذاکره و گفتگوی مستقیم ایران و آمریکا مشروط به آن است که هر دو کشور از سیاست بحران سازی فاصله گیرند. حال آنکه هنوز دولتهای هر دو کشور برای پیشبرد اهداف خود در داخل مرزهای خویش نیازمند بحران هستند و همین امر منجر به ناکارآمد شدن سیاست گفتگو می شود. در شرایطی که شمارش معکوس در ارتباط با زمان تعیین شده در قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت شروع شده است، تنها تجدید نظر کردن در سیاست اتمی ایران است که می تواند مانع از بغرنج تر شدن اوضاع شود.

مصاحبه گر: جمشید فاروقی

دوچه وله: علی رغم اینکه از اولتیماتوم تعیین شده در قطعنامه ۱۷۳۷ مدت چندانی باقی نمانده و علی رغم اظهارات برخی از مسئولان جمهوری اسلامی از جمله سخنان اخیر حسین موسویان عضو مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت مبنی بر پذیرش تعلیق، به نظر نمی آید جناح تندرو، از جمله خود شخص احمدی نژاد، حاضر به تجدیدنظر در سیاست اتمی کشور بشوند. در صورت عدم جرحش در سیاست ایران ارزیابی شما از اقدامات آتی ایران و غرب چه هست؟

ابوالحسن بنی صدر: باید بگویم، دو حادثه ای مهم در این ایام روی داده است. یکی در جریان انتخابات روی داد، غیر از عدم مشارکت اکثریت بزرگ مردم کشور در انتخابات و آرای سفید و باطله، معلوم شد آن مکانیسم تقسیم به دو که مشخصه ای این رژیم بود و حذف یکی از دو دیگر عمل نمی کند. اگر توجه کنید لیستها ترکیبی از کار درآمده، منظور آنچه بیرون آمده است بعنوان منتخب. و حادثه دوم مربوط به قضیه ای همین قطعنامه شورای امنیت است که واقع شده که آنچه گویای یک واقعیت مهم دیگری است و آن اینکه سابق بر این بحرانهای شدید خارجی موجب می شد که مافیاهای نظامی - مالی می توانستند خود را بر بقیه تحمیل کرده و آنها را وادار به سکوت کنند. اما اینبار چنین امری رخ نداده، بلکه برعکس صداها به اعتراض در خود رژیم هم بلند شده است، همین که در سؤال شما هم بود و این خود یک رویداد مهمی است و این دو رویداد نشان می دهد که رژیم اولاد در درون ضعیف شده، ثانیاً نه تنها در دنیای خارج به لحاظ آن اتفاق آرای که در شورای امنیت به قطعنامه رای داد، بلکه در درون کشور هم در انزواست و ضعیف است. پس، یک رژیم ضعیف چگونه واکنش نشان می دهد؟ این موضوع سؤال شماست در قبال این تصمیم شورای امنیت. آن گروه احمدی نژاد که مشغول است به داد و قال و در زبان تیغ می کشد به رخ غرب، اما کار به دست او نیست. کار و مسئولیت مستقیم متوجه آقای خامنه ای است. او قبلاً گفته بود که تا پای خطر پیش بروید، از آن به بعد وادارید. حالا آن پای خطر کجاست، خود یک سئوالی است. این گروههایی که در خود رژیم از آقای هاشمی رفسنجانی، خاتمی و دیگران اینها می گویند، وضعیت خطرناک است و آقای موسویان هم گفته است که دیگر از این فراتر نباید برویم. اگر این را مرز خطر بگیریم، باید امیدوار باشیم به اینکه مختصر عقلی در کله ای این آقایان بیاید که آن پیشنهاد آقای محسن رضایی عملی بشود، یعنی اختیار بدهند به آقای لاریجانی و او بیاید با آقای سولانا بنشیند و باهم مسئله را حل کنند.

دوچه وله: در همین رابطه آقای بنی صدر، الان آقای لاریجانی که اسم بردید، رفته است چین. در هفته های آینده البته قطعاً می شود این تصور را داشت که تلاشهای دیپلماتیک جمهوری اسلامی هم افزایش پیدا کند و سعی بکنند در بین کشورهای ۵ باضافه ۱ حداقل شکاف بیندازند و چین و روسیه را به سمت خودشان جلب کنند. به نظر شما در شرایط کنونی اصلاً برای جمهوری اسلامی امکان موفقیت چنین سیاستی وجود دارد؟

ابوالحسن بنی صدر: نخیر! ببینید، تا تصویب قطعنامه اختیار با چین و روس بود که موافقت بکنند یا نکنند، حالا از این به بعد اختیار دست آمریکا است و این قطعنامه صادر شده است. علاوه بر قطعنامه خود کشورهای غربی هم تحریم وسیعی را شروع کرده اند، هم از جهت معاملات بانکی و هم از جهت معاملات بازرگانی. افزون بر اینها وضعیت اقتصادی ایران بسیار خراب است. وقتی موسسه تحقیقاتی آمریکایی می گوید که آقای بوش شما یک چند سالی صبر بکنید خود این رژیم می آید دنبال آشتی، به لحاظ اینکه تا سال ۲۰۱۵ ایران می تواند نفت صادر کند و درآمد نفتی اش هم سال به سال پایین خواهد آمد، و ما می دانیم که در درون هم ۵۴ استاد کشاورزی به آقای احمدی نژاد می نویسند که ایران دارد بیابان می شود، خب این وضعیت و چنین شرایطی و اینگونه هارت و پورت کردن های آقای احمدی نژاد کوششی است برای بحران سازی که بهای سنگین اش را باید مردم ایران بپردازند. بنابراین کاری از این دوندگی های بی مزه حاصل نمی شود.

دوچه وله: آقای بنی صدر «هفته نامه اکونومیست» در آخرین شماره اش گزارشی داده بود راجع به عوامل بحران زا در سال ۲۰۰۷، و از جمله اشاره کرده بود به بحران خاورمیانه و اوضاع ایران و همه مسائلی که ما می دانیم می توانند در گسترش دامنه ی بحران موثر واقع بشوند. شما فکر می کنید مذاکره مستقیم ایران و آمریکا بتواند تأثیری در کاهش تنش پدید آمده در منطقه داشته باشد؟

ابوالحسن بنی صدر: اولاً یک مسئله ای است که به آن هیچ توجه نمی شود. وقتی می گویم «هیچ توجه نمی شود»، لازم است اضافه کنم که دو شب پیش دیدم که آقای «میشل روکار» نخست وزیر سابق فرانسه به این مسئله پرداخت و او هم همین حرف را زد و اتفاقاً گفت که به این مسئله توجه نمی شود. کدام مسئله؟ این مسئله که آن رابطه ی اسرائیل و فلسطین و دعوای اعراب و اسرائیل که محدود به یک منطقه خاص و در یک فضای استراتژیک و ژئوپلیتیک معینی بود، حالا گسترش پیدا کرده است و دیگر آن مسئله ی سابق نیست و بسیار پرخطر شده است. یعنی از طرفی متصل شده به آنچه آمریکایی ها به آن می گویند «تروریسم بین المللی» و از طرفی متصل شده به مسئله ی بحران اتمی ایران و از طرف دیگر هم متصل شده به وضعیت در عراق و شده است یک مسئله ی بسیار پیچیده و غامض. این یک مسئله ای است در سطح منطقه. حالا مذاکره با آمریکا وقتی معنا می دهد که این رژیم به این نتیجه برسد که دیگر دوران بحران سازی و با بحران ادامه ی حیات دادن تمام شده است. و اگر به این نتیجه برسد، خب باید طبیعت اش را هم تغییر بدهد. یعنی رابطه اش را هم با مردم ایران تغییر بدهد، چون این بحرانهایی که می سازد برای این است بر مردم ایران سلطه ی استبدادی خودش را حفظ بکند. این یک تحول مهمی است در رژیم و پایان یک دوره ای خواهد شد. آن دو تحول را که من در آغاز به آن اشاره کردم، اگر ابتدا بگیریم، این تحول می شود مراحل بعدی آن. و این نیاز دارد که طرف آمریکایی هم احتیاجی به بحران نداشته باشد که در حال حاضر آقای بوش نیاز به بحران را دارد و شدید هم نیاز دارد. به لحاظ اینکه اکثریت دمکرات را باید در موقعیتی قرار بدهد که مجبور بشوند از سیاستهای او در خاورمیانه حمایت کنند. این است وضعیتی که ما با آن روبرو هستیم از دو سو موقع نامناسبی است برای این گفتگو و نتایج احتمالی اش.